



اتاق بازرگانی
صنایع، معادن و کشاورزی
اصفهان
ISFAHAN CHAMBER OF COMMERCE
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

ارزیابی پیامدهای افزایش ۶۰ درصدی حداقل دستمزد
سال ۱۴۰۵
بر بنگاه‌ها، اشتغال و پایداری اقتصاد ایران

مرکز پژوهش و بررسی‌های اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان



عنوان پژوهش: ارزیابی پیامدهای افزایش ۶۰ درصدی حداقل دستمزد سال ۱۴۰۵ بر بنگاه‌ها، اشتغال و

پایداری اقتصاد ایران

مرکز پژوهش و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی اصفهان

تهیه کننده: پریسا حمیدی

ناظر: دکتر مرتضی درخشان

تاریخ انتشار: اردیبهشت ۱۴۰۵

واژگان کلیدی: حداقل دستمزد ۱۴۰۵، افزایش ۶۰ درصدی، فشار هزینه‌ای، تورم، حاشیه سود بنگاه‌ها،

بنگاه‌های کوچک و متوسط، اشتغال غیررسمی

فهرست

۱. خلاصه..... ۴
۲. مقدمه ۴
۳. تصویر اقتصاد ایران در آستانه ۱۴۰۵..... ۵
 - ۳-۱ جنگ و محاصره (شوک جدید)..... ۵
 - ۳-۲ سناریوهای پیش از جنگ ۶
 - ۳-۳ چشم انداز اقتصاد ایران..... ۹
۴. جزئیات طرح تصمیم افزایش حداقل دستمزد ۱۴۰۵ ۱۰
۵. کانال‌های اثرگذاری افزایش دستمزد بر اقتصاد کلان ۱۱
۶. برآورد اثر افزایش دستمزد بر میانگین هزینه بنگاه‌ها در اصناف مختلف ۱۳
 - ۶-۱ برآورد اثر افزایش دستمزد بر تورم ۱۵
 - ۶-۲ برآورد اثر افزایش دستمزد بر سودآوری بنگاه‌ها و تداوم فعالیت ۱۷
 - ۶-۳ برآورد اثر افزایش دستمزد بر بیکاری ۲۰
۷. تجربه کشورها در شرایط مشابه ۲۱
۸. جمع‌بندی و توصیه‌ها ۲۲

۱- خلاصه

در گزارش حاضر، پیامدهای افزایش حداقل دستمزد سال ۱۴۰۵ (با جهش بالا) بر بنگاه‌ها، اشتغال و پایداری اقتصاد ایران در بستری از رکود تورمی مزمن و ناترازی‌های عمیق بودجه و سرمایه‌گذاری بررسی می‌شود. اقتصاد ایران در پایان سال ۱۴۰۴، با تورم حدود ۵۰ درصد، رشد تولید ناخالص داخلی در حدود ۳.۵ تا ۴ درصد (که بخش عمده آن متکی بر نفت است)، رشد ضعیف تشکیل سرمایه ثابت و کاهش قدرت خرید واقعی دستمزدها، در وضعیتی قرار دارد که رشد آن نه درون‌زا و پایدار، بلکه آسیب‌پذیر نسبت به هر شوک جدید است.

گزارش نشان می‌دهد سهم دستمزد در قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات به‌طور متوسط پایین و یک‌رقمی است و در اغلب برآوردها بین ۳ تا ۷ درصد و در برخی فعالیت‌های کاربر حداکثر تا حدود ۹ تا ۱۳ درصد قرار می‌گیرد. با وجود این، اعلام افزایش قابل توجه حداقل دستمزد برای سال ۱۴۰۵ (اعلام اولیه افزایش ۶۰ درصدی پایه دستمزد بوده است) و تثبیت آن در بخشنامه رسمی (افزایش ۴۵ درصدی سایر سطوح مزدی به‌علاوه یک رقم ثابت روزانه) در فضای کارشناسی و بنگاهی این نگرانی را ایجاد کرده است که بخشی از این شوک مزدی، از کانال افزایش هزینه تولید، به تورم دامن بزند؛ هرچند به دلیل همین سهم پایین دستمزد در بسیاری از فعالیت‌ها، انتظار نمی‌رود این اثر به‌تنهایی منشأ تورم‌های بسیار بالا باشد. از این‌رو در صنایع بزرگ سرمایه‌بر، افزایش بالای حداقل مزد به افزایش محدود ۲ تا ۳ درصدی در هزینه تولید منجر می‌شود، اما در بنگاه‌های کوچک و خدمات کاربر می‌تواند جهشی دو رقمی در هزینه‌ها ایجاد کند. در کنار این مسأله، ساختار بازار کار ایران با سهم بسیار بالای اشتغال غیررسمی (بیش از نیمی از شاغلان) باعث می‌شود سیاست حداقل دستمزد به‌طور مستقیم بر اقلیت رسمی اثرگذار باشد و برای اکثریت، اثر آن از کانال افزایش قیمت‌ها، تعدیل نیرو و گسترش قراردادهای غیررسمی نمایان شود.

۲- مقدمه

در واپسین روزهای پایانی سال ۱۴۰۴، اقتصاد ایران در نقطه‌ای ایستاده است که بسیاری آن را مقطع حساس و سرنوشت‌ساز می‌دانند. اقتصاد کشور بیش از یک دهه است که با «تب مزمن تورم» زندگی می‌کند؛ تورمی که به واقعیتی روزمره برای خانوارها و بنگاه‌ها تبدیل شده، قدرت خرید را فرسوده، تصمیم‌گیری را دشوار و افق برنامه‌ریزی را کوتاه کرده است.^۱ رشد اقتصادی هرچند بر اساس برخی برآوردها در محدوده ۳.۵ تا ۴ درصد گزارش می‌شود، اما وقتی بخش نفت از آن جدا می‌شود، رشد بدون نفت در حدود ۲.۵ تا ۳ درصد

^۱ <https://www.eghtesadonline.com/fa/tiny/news-۲۱۲۲۷۷۱>

قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد موتورهای داخلی صنعت، خدمات و کشاورزی هنوز توان لازم برای ایجاد یک رشد درون‌زا و پایدار را پیدا نکرده‌اند.

در این میان، وضعیت تشکیل سرمایه ثابت به قیمت‌های ثابت نیز گویای آن است که ماشین‌آلات جدید به اندازه کافی وارد چرخه تولید نشده، زیرساخت‌های اقتصادی توسعه نیافته و ظرفیت تولید آینده تقویت نشده است. به موازات این روند، بازار کار با ترکیبی از کاهش قدرت خرید واقعی دستمزدها و گسترش اشتغال غیررسمی مواجه است؛ به گونه‌ای که رشد اسمی دستمزدها در سال‌های اخیر، به مراتب کمتر از نرخ تورم بوده و در نتیجه، بخش بزرگی از شاغلان - به ویژه کارگران حداقل‌بگیر، عملاً فقیرتر شده و تقاضای مصرفی در بازار داخلی کوچک‌تر شده است.

در چنین شرایطی، تصمیم سیاست‌گذار برای افزایش بالای حداقل دستمزد سال ۱۴۰۵، به مثابه مداخله‌ای پرحجم در یکی از کلیدی‌ترین متغیرهای بازار کار مطرح شد. در ابتدا، در فضای رسانه‌ای و اظهارنظرهای رسمی، از افزایش حدود ۶۰ درصدی حداقل مزد سخن گفته شد و در نهایت نیز در مصوبه شورای عالی کار، پایه حقوقی حداقل دستمزد سال ۱۴۰۵ نسبت به سال قبل حدود ۶۰ درصد افزایش یافت و همین عدد، مبنای نگرانی‌ها و محاسبات بسیاری از فعالان اقتصادی قرار گرفت. این تصمیم در پاسخ به فشارهای معیشتی و شکاف فزاینده میان دستمزد و هزینه‌های واقعی زندگی اتخاذ شد و اهدافی همچون جبران بخشی از کاهش قدرت خرید کارگران، نزدیک‌تر کردن حداقل مزد به سبد معیشت، کاهش فشار فقر شاغلان و تحریک تقاضای داخلی را دنبال می‌کند. با این حال، تجربه داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که آثار چنین سیاستی به شدت به وضعیت اولیه اقتصاد، ساختار هزینه بنگاه‌ها، سهم اشتغال غیررسمی و چگونگی همراهی آن با سایر سیاست‌های مالی، پولی و ساختاری وابسته است.

گزارش پیش رو با تکیه بر داده‌های رسمی داخلی، گزارش‌های بین‌المللی و مروری بر تجربیات کشورها در شرایط مشابه، تلاش می‌کند پیامدهای افزایش حداقل دستمزد ۱۴۰۵ را بر بنگاه‌ها، اشتغال و پایداری اقتصاد ایران ارزیابی می‌نماید.

۳- تصویر اقتصاد ایران در آستانه ۱۴۰۵

۱-۳ جنگ و محاصره (شوک جدید)

در ارزیابی چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۵، نخست باید به جنگ تحمیلی سوم (رمضان) و پیامدهای مستقیم آن بر اقتصاد کشور اشاره کرد؛ از جمله بسته شدن یا محدود شدن کارکرد بنادر جنوبی و کمبود مواد اولیه و واسطه‌ای، که مستقیماً زنجیره تأمین، هزینه تولید و امکان تداوم فعالیت بسیاری از واحدهای صنعتی و خدماتی را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

محاصره بنادر مهم جنوبی کشور که کانال اصلی ورود قطعات صنعتی، لوازم خانگی، تجهیزات الکترونیک و بخش مهمی از مواد اولیه تولیدی به شمار می‌روند، با هرگونه اختلال یا توقف، به سرعت منجر به کمبود، افزایش قیمت و توقف خطوط تولید در صنایع پایین‌دستی می‌شود. برآوردهای تحلیلی نشان می‌دهد محدود شدن کامل یا نسبی تردد دریایی می‌تواند روزانه صدها میلیون دلار به درآمدهای ارزی کشور و تراز تجاری آسیب وارد کند و علاوه بر آن، از کانال افزایش هزینه واردات، موج جدیدی از فشارهای تورمی را ایجاد نماید.^۲ در سناریوهای مختلف مطرح‌شده درباره زمان پایان جنگ و نیز رفع محاصره بنادر، اجماع معناداری وجود ندارد؛ با این حال در اغلب برآوردهای کارشناسی، حداقل یک ماه تداوم وضعیت فعلی محتمل دانسته می‌شود. حتی در صورت گشایش نسبی، بخش مهمی از تجارت خارجی و واردات مواد اولیه ناچار به استفاده از مسیرهای جایگزین زمینی و بندری پرهزینه‌تر خواهد بود.^۳ این وضعیت به معنای افزایش مداوم هزینه‌های لجستیک، طولانی‌تر شدن زمان تأمین و تشدید نااطمینانی برای بنگاه‌ها در برنامه‌ریزی تولید است؛ عواملی که در کنار شوک دستمزدی، فشار ترکیبی بر هزینه تمام‌شده و حاشیه سود ایجاد می‌کنند و می‌توانند آثار افزایش دستمزد بر تورم، اشتغال و تداوم فعالیت بنگاه‌ها را تشدید کنند.^۴

۲-۳ سناریوهای پیش از جنگ

در غیاب این شوک‌های جدید، یعنی حتی اگر جنگ و اختلال جدی در بنادر و واردات مواد اولیه رخ نمی‌داد، بر اساس گزارش‌های نهادهای بین‌المللی از جمله بانک جهانی، رشد اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۵ نیز در مسیر نزولی قرار داشته و انتظار می‌رفته به کمتر از حدود ۳ درصد برسد؛ به‌طوری‌که حفظ رشد اقتصادی تا پایان سال ۱۴۰۴ عمدتاً ناشی از اتکا به صادرات نفت بوده و در میان اجزای غیرنفتی، بیشتر بخش خدمات و

^۲ <https://www.dw.com/fa-ir/%D9%A0%D8%AD%D8%AV%D8%B0%D8%B1%D9%87-%D8%AF%D8%B1%DB%AC%D8%AV%DB%AC%DB%AC-%D8%AV%DB%AC%D8%B1%D8%AV%D9%87-%DA%86%D9%87-%D8%B9%D9%88%D8%AV%D9%82%D8%AA%DB%AC-%D8%AE%D9%88%D8%AV%D9%87%D8%AF-%D8%AF%D8%AV%D8%B4%D8%AA/a-76767461>

^۳ <https://www.dw.com/fa-ir/%D9%A0%D8%AD%D8%AV%D8%B0%D8%B1%D9%87-%D8%AF%D8%B1%DB%AC%D8%AV%DB%AC%DB%AC-%D8%AV%DB%AC%D8%B1%D8%AV%D9%87-%DA%86%D9%87-%D8%B9%D9%88%D8%AV%D9%82%D8%AA%DB%AC-%D8%AE%D9%88%D8%AV%D9%87%D8%AF-%D8%AF%D8%AV%D8%B4%D8%AA/a-76767461>

^۴ <https://www.eghtesadnews.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%AV%D8%AE%D8%A8%D8%AV%D8%B1-%D8%B3%DB%AC%D8%AV%D8%B3%DB%AC-%07/77.928-%D9%BE%DB%AC%D8%AV%D9%A0%D8%AF%D9%87%D8%AV%DB%AC-%D8%AC%D9%86%DA%AF-%D8%B9%D9%84%DB%AC%D9%87-%D8%AV%DB%AC%D8%B1%D8%AV%D9%87-%DB%AC%D8%AV-%D8%AA%D8%AV%DB%AC%D9%88%D8%AV%D9%86-%D9%82%D8%AV%D8%A8%D9%84-%D9%BE%DB%AC%D8%B4-%D8%A8%DB%AC%D9%86%DB%AC-%D8%AV%D8%B3%D8%AA-%D9%81%D8%AV%D8%B0%D9%84%D9%87-%D9%A0%DB%AC%D8%AV%D9%87-%D9%BE%DB%AC%D8%B4-%D8%A8%DB%AC%D9%86%DB%AC-%D9%88%D8%AV%D9%82%D8%B9%DB%AC%D8%AA-%D8%AF%D8%B1-%D8%AC%D9%86%DA%AF-%D8%AV%D9%88%DA%A9%D8%B1%D8%AV%DB%AC%D9%86-%DA%86%D8%B4%D9%A0%DA%AF%DB%AC%D8%B1-%D8%A8%D9%88%D8%AF>

صنعت توانسته‌اند رشد مثبت خود را حفظ کنند. در همین راستا، تداوم تحریم‌ها و محدودیت دسترسی به منابع ارزی، سبب تولیدی کشور را بیش از پیش به سمت تأمین کالاهای مورد نیاز بازار داخلی سوق داده و امکان انتقال تکنولوژی و نوسازی سرمایه تولیدی را محدود کرده است؛ روندی که در بلندمدت به فرسایش ظرفیت تولید صنعتی و کاهش توان اقتصاد برای جذب شوک‌های جدید (مثل افزایش دستمزد و هزینه نیروی کار) می‌انجامد.^۵

سایر مطالعات سناریومحور داخلی نیز تصویر مشابهی از شکنندگی رشد و وابستگی آن به وضعیت تحریم‌ها ارائه می‌کنند؛ با این تفاوت که این برآوردها همگی پیش از بروز جنگ و محاصره دریایی فعلی انجام شده‌اند و بنابراین، شوک جنگ در آن‌ها منعکس نشده است.

موسسه راهبردهای بازنشستگی صبا وابسته به صندوق بازنشستگی کشوری، با تعریف سه سناریو به بررسی سال آینده اقتصاد ایران پرداخته است.^۶ بررسی‌ها نشان می‌دهد، نوسانات اقتصاد ایران بیشتر از سیاستگذاری‌های اقتصادی از شرایط سیاسی و تحریم‌ها تاثیر می‌گیرد و پیش‌بینی می‌کند در صورت لغو تحریم‌ها، تورم به کمتر از ۳۰ درصد کاهش یابد و رشد اقتصادی به بیش از ۸ درصد خواهد رسید. در سناریوی بدبینانه که مربوط به تشدید احتمالی تحریم‌ها در سال ۱۴۰۵ است، نرخ تورم ۳۹ درصد و رشد اقتصادی ۲.۲ درصد پیش‌بینی شده است. سناریوی سوم این پژوهش مربوط به تداوم وضعیت فعلی است.^۷

شهاب‌الدین فولادی‌مقدم نیز در مهر ۱۴۰۴ (پیش از جنگ تحمیلی سوم) آینده اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۵ را در سه سناریوی «ادامه روند فعلی»، «تشدید تحریم‌ها» و «لغو تحریم‌ها» برآورد کرده است. در سناریوی خوش‌بینانه لغو تحریم‌ها، رشد اقتصادی تا حدود ۸.۲ درصد، تورم به زیر ۳۰ درصد و نرخ ارز به حدود ۸۸ هزار تومان می‌رسد و این وضعیت بیانگر ظرفیت بالقوه اقتصاد در صورت بازگشت به تعاملات بین‌المللی است. در سناریوی بدبینانه تشدید تحریم‌ها، رشد به حدود ۲.۲ درصد، تورم به نزدیک ۳۹ درصد و نرخ ارز به حدود ۱۶۸ هزار تومان افزایش می‌یابد، که به معنای تشدید فشار معیشتی و ریسک‌های جدی برای تصمیم‌گیری اقتصادی است. در سناریوی میانه، رشد حدود ۲.۷ درصد، تورم نزدیک ۳۰ درصد و نرخ ارز در حدود ۱۲۵ هزار تومان پیش‌بینی می‌شود که تصویری از «پایداری شکننده» ارائه می‌کند؛ وضعیتی که نه بهبود چشمگیر دارد و نه بحران عمیق. فولادی‌مقدم تأکید می‌کند متغیرهای بلندمدت مانند تشکیل سرمایه ثابت، بهره‌وری و ضریب جینی عمدتاً به عوامل ساختاری و نهادی وابسته‌اند و نسبت به تغییرات کوتاه‌مدت تحریم‌ها واکنش

^۵ <https://ecoiran.com/fa/tiny/news-۶۱۸۰۹>

^۶ این پژوهش قبلاً از جنگ تحمیلی سوم تهیه شده است و اثرات جنگ بر آن محاسبه نشده است

^۷ <https://donya-e-eqtesad.com/fa/tiny/news-۴۱۹۸۱۲۴>

محدودی دارند؛ از این رو، اصلاحات ساختاری و نهادسازی برای مقاوم سازی اقتصاد در برابر شوک های خارجی ضروری است.^۸

برای درک بهتر نقطه شروع اقتصاد ایران قبل از جنگ، وضعیت شاخص های کلیدی در پایان سال ۱۴۰۴ بر اساس آمار مراجع رسمی و برآوردهای موجود در جدول ۱ خلاصه شده است.

جدول ۱- شاخص های اقتصادی در پایان سال ۱۴۰۴ بر اساس آمار اعلام شده مراجع آماری کشور یا پیش بینی ها^۹

ردیف	شاخص	نرخ
۱	رشد اقتصادی	حدود ۳.۵٪ تا ۴٪
۲	رشد بدون نفت	۲.۵٪ تا ۳٪
۳	نرخ تورم	حدود ۵۰٪
۴	رشد میانگین دستمزد	۲۰٪ تا ۲۵٪
۵	حداقل دستمزد ماهانه	۱۰ تا ۱۲ میلیون تومان
۶	میانگین دستمزد (با مزایا و بخش های مختلف)	۱۵ تا ۱۸ میلیون تومان
۷	تشکیل سرمایه ثابت به قیمت ثابت	حدود ۱٪ تا ۲٪

داده ها نشان می دهند رشد اقتصادی حدود ۳.۵ تا ۴ درصد (با رشد بدون نفت در حدود ۲.۵ تا ۳ درصد)، نرخ تورم در حدود ۵۰ درصد، رشد میانگین دستمزد ۲۰ تا ۲۵ درصد، حداقل دستمزد ماهانه حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیون تومان، میانگین دستمزد (با مزایا) حدود ۱۵ تا ۱۸ میلیون تومان و نرخ تشکیل سرمایه ثابت به قیمت ثابت تنها حدود ۱ تا ۲ درصد بوده است.

با توجه به جدول بالا می توان نتیجه گرفت رشد حدود ۳.۵ تا ۴ درصدی در نگاه اول عدد نسبتاً بدی نیست اما وقتی می بینیم رشد بدون نفت حدود ۲.۵ تا ۳ درصد است، یعنی بخش مهمی از این رشد از محل نفت حاصل شده است و از تولید واقعی در صنعت، خدمات یا کشاورزی ناشی نشده است و در نتیجه اقتصاد در حال رشد هست، اما این رشد درونزا و پایدار نیست و با کوچک ترین شوک به صادرات نفت می تواند افت کند. وضعیت تورمی در سال ۱۴۰۴ باعث عدم ثبات در فضای اقتصادی شده و در نتیجه هزینه های بنگاه ها دائماً در حال تغییر است و امکان برنامه ریزی بلندمدت تقریباً وجود ندارد؛ لذا سرمایه گذاری کاهش پیدا می کند. درخصوص دستمزدها با توجه به اینکه تورم بسیار بالاتر از افزایش دستمزد بوده است، مردم عملاً فقیرتر شده اند و تقاضای مصرفی کاهش یافته و در نهایت امر بازار داخلی در ایران کوچک تر شده است.

^۸ <https://sabapsi.ir/?s=%D%A%AV%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%AV%D8%AF+%D8%AV%DB%AC%D8%B1%D8%A%D9%81&lang=fa>

^۹ https://www.cbi.ir/category/EconomicTrends_fa.aspx
<https://amar.org.ir/>

و در نهایت و به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌ها نرخ تشکیل سرمایه ثابت به قیمت ثابت بسیار پایین بوده که نشان می‌دهد ماشین‌آلات جدید وارد اقتصاد نشده، زیرساخت‌ها توسعه نیافته است و ظرفیت تولید آینده در حال تقویت نیست.

۳-۳ چشم انداز اقتصاد ایران

وحید شقاقی، عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی، تورم کشور تا پایان سال ۱۴۰۴، را بیش از ۴۵ درصد پیش بینی کرده بود و درباره سال ۱۴۰۵ نیز دو سناریو طرح کرده بود که در سناریوی خوش‌بینانه و در صورت موفقیت مذاکرات و کاهش تنش‌ها با ایالات متحده آمریکا، تورم در محدوده ۴۵ تا ۵۰ درصد باقی می‌ماند.^{۱۰} در آستانه ۱۴۰۵، تصویر اقتصاد ایران «رکود تورمی مزمن با ناترازی‌های عمیق بودجه و انرژی» بوده و حتی بدون تمرکز بر جنگ، چشم‌انداز کوتاه‌مدت شکننده و پرریسک ارزیابی می‌شد و در واقع شوک جنگ و محاصره، چه از طریق کاهش صادرات نفت و چه از مسیر کمبود مواد اولیه و افزایش هزینه واردات، می‌تواند مسیر رشد، تورم و اشتغال را نسبت به این پیش‌بینی‌های اولیه بدتر کرده و فضای تصمیم‌گیری بنگاه‌ها را از «عدم قطعیت بالا» به سمت «عدم قطعیت حاد» سوق دهد.

در حقیقت با توجه به وضعیت نرخ‌های اقتصادی در سال ۱۴۰۴، چالش اصلی اقتصاد ایران نه فقدان رشد، بلکه بی‌کیفیت بودن رشد است.

^{۱۰} <https://www.eghtesadnews.com/fa/tiny/news-۷۷۰۰۷۴>

۴- جزئیات طرح تصمیم افزایش حداقل دستمزد ۱۴۰۵

این پیشنهاد با چند هدف و پس از اعتراضات مردم در پی افزایش قیمت‌ها در پایان سال ۱۴۰۴ مطرح شد و اهداف دولت و مجلس از طرح آن به شرح ذیل هستند:

۱. جبران کاهش قدرت خرید کارگران به دلیل تورم بالا
۲. نزدیک کردن حداقل مزد به سبد معیشت خانوار
۳. کاهش فشار فقر شاغلان (working poor)
۴. تحریک تقاضای داخلی از طریق افزایش درآمد

جدول ۲- مزایا و معایب طرح افزایش جهشی و بالای حداقل دستمزد

تأثیرات	ردیف
- افزایش قدرت خرید کوتاه‌مدت - کاهش نارضایتی اجتماعی - تقویت تقاضای مصرفی	مزایا
- تورم‌زایی (اگر از محل افزایش نقدینگی یا هزینه تولید باشد) - فشار بر بنگاه‌های کوچک و در نتیجه احتمال تعدیل نیرو - افزایش اقتصاد غیررسمی (فرار از بیمه و قرارداد رسمی) - کاهش سرمایه‌گذاری در صورت بالا رفتن هزینه نیروی کار - کاهش اشتغال	معایب

اما موضوع قابل تأمل در اجرای طرح، این است که اگر بهره‌وری و رشد اقتصادی بالا نرود، افزایش مزد اسمی به سرعت توسط تورم خنثی می‌شود و برای موفقیت طرح افزایش دستمزد با درصد بالا باید موضوعاتی همچون:

- کنترل تورم
 - رشد تولید
 - حمایت از بنگاه‌های کوچک (یارانه بیمه/مالیات)
 - افزایش بهره‌وری نیروی کار
- در کنار افزایش دستمزد مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار گیرد.

بر اساس مصوبات سید و چهل و یکمین جلسه شورای عالی کار کشور مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۴، حداقل مزد روزانه همه کارگران مشمول قانون کار، اعم از دائم و موقت، از ابتدای سال ۱۴۰۵ معادل ۵ میلیون و ۵۴۱ هزار و ۸۵۰ ریال تعیین شده است. به این ترتیب، حداقل دریافتی ماهانه مبنای حقوق نیز بر اساس ۳۰ روز کارکرد، به حدود ۱۶۶ میلیون و ۲۵۵ هزار و ۵۰۰ ریال می‌رسد.

در عین حال، در این مصوبه تاکید شده که پس از اعمال این افزایش، مزد شغل کارگران مشمول طرح‌های طبقه‌بندی مشاغل و همچنین مزد ثابت سایر کارگران نباید از حداقل مزد روزانه مصوب، یعنی ۵ میلیون و ۵۴۱ هزار و ۸۵۰ ریال کمتر باشد.

بخش دیگری از این مصوبه به پایه سنوات اختصاص دارد. طبق تصمیم شورای عالی کار، کارگرانی که در سال ۱۴۰۵ دارای حداقل یک سال سابقه کار باشند یا یک سال از دریافت آخرین پایه سنواتی آنها گذشته باشد، روزانه ۱۶۶ هزار و ۶۶۷ ریال به عنوان پایه سنوات دریافت خواهند کرد.

بر اساس تبصره‌های این مصوبه، نحوه پرداخت پایه سنوات برای کارگران مشمول طرح‌های طبقه‌بندی مشاغل مطابق دستورالعمل و جدول اعلامی اداره کل روابط کار، جبران خدمت و بیمه بیکاری خواهد بود. همچنین کارگران فصلی نیز به نسبت مدت کارکرد خود در سال ۱۴۰۵ مشمول دریافت این مبلغ می‌شوند.^{۱۱}

۵- کانال‌های اثرگذاری افزایش دستمزد بر اقتصاد کلان

اثر افزایش حداقل دستمزد به سطح فعالیت، ساختار بازار کار و وضعیت رکودی/رونق بستگی دارد. در یک مطالعه مبتنی بر مدل تعادل عمومی پویای تصادفی برای ایران، نشان داده می‌شود که در شرایط رکود، افزایش حداقل دستمزد می‌تواند به کاهش اشتغال و تشدید رکود منجر شود، زیرا بنگاه‌ها توان جذب شوک هزینه‌ای را ندارند.^{۱۲}

افزایش مزد مبنای بالا در بستر اقتصادی مشابه ایران که در شرایط ثبات نیست می‌تواند شاخص‌های مختلفی را مورد تاثیر قرار دهد، از جمله این شاخص‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.^{۱۳}

^{۱۱} <https://roozno.com/fa/news/۷۴۵۸۲/>

^{۱۲} <https://ensani.ir/file/download/article/۱۵۸۶۴۹۴۳۳۹-۹۷۵۴-۳۷-۶.pdf>

^{۱۳} همان منبع قبلی

جدول ۳- شاخص‌ها و کانال‌های متأثر از افزایش حداقل دستمزد

ردیف	شاخص	شرح تاثیر
۱	تقاضای کل و مصرف خانوار	افزایش مزد، درآمد واقعی کارگران مشمول قانون کار را بالا می‌برد و می‌تواند به افزایش مصرف خصوصی و تقاضای کل منجر شود، مشروط به این که تورم، بخش عمده افزایش را کاهش ندهد.
۲	سرمایه گذاری	افزایش هزینه نیروی کار باعث کاهش سود بنگاه‌ها شده و باعث کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود.
۳	تولید ناخالص داخلی	افزایش هزینه بنگاه‌ها، کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش تقاضای موثر در بلندمدت که ناشی از افزایش دستمزد نیروی کار است منجر به کاهش تولید ناخالص داخلی می‌شود.
۴	تورم	افزایش دستمزد منجر به افزایش هزینه تولید برای بنگاه‌های تولیدی شده و در نهایت باعث افزایش قیمت‌ها می‌شود.
۵	هزینه تولید و قیمت‌ها	افزایش مزد در ساختاری که بهره‌وری ایستا و دسترسی به سرمایه و فناوری محدود است، به‌طور مستقیم هزینه نهایی تولید را بالا می‌برد و در شرایط تورمی می‌تواند موج جدیدی از افزایش قیمت‌ها را شکل دهد.
۶	اشتغال و بیکاری	در شرایط رکود و نااطمینانی، شوک‌های بزرگ مزد به اخراج نیروی کار، رسمی‌زدایی و رشد اشتغال غیررسمی منتهی می‌شود، به‌ویژه در بنگاه‌های کوچک و متوسط؛
۷	بودجه دولت و تأمین اجتماعی	اثر بر رشد مزد، پایه حق بیمه و مالیات بر حقوق را بالا می‌برد، اما هم‌زمان با افزایش بیکاری و تعطیلی بنگاه‌ها و نیاز به حمایت از بیکاران، فشار بر بودجه و صندوق‌های بیمه‌ای بیشتر می‌شود.
۸	فقر و نابرابری	اگر افزایش مزد بالاتر از تورم باشد و بیکاری را دو برابر نکند، می‌تواند فقر کارگران رسمی را کاهش دهد؛ ولی در وضعیتی که سهم بزرگی از نیروی کار غیررسمی است و بیکاری افزایش یابد، ممکن است نابرابری بین «مزدبگیر رسمی» و سایر گروه‌ها بیشتر می‌شود.

شکل ۱- چرخه تاثیرگذاری افزایش بالای دستمزدها در محیط کسب و کار^{۱۴}



۶- برآورد اثر افزایش دستمزد بر میانگین هزینه بنگاه‌ها در اصناف مختلف

برای تعیین تاثیر افزایش مبنای حقوق و دستمزد نیروی کار در افزایش هزینه بنگاه‌های اقتصادی در اصناف مختلف نیاز به سهم این شاخص در کل هزینه‌ها است. همچنین باید عواملی مثل وضعیت محیط کسب و کار را در برآورد تاثیر نهایی این شرایط در میانگین هزینه بنگاه‌ها در نظر گرفت. از آنجا که منبع رسمی برای اعلام این سهم در تعیین هزینه‌های اصناف مختلف وجود ندارد، در این پژوهش با استفاده از نظرات اعلام شده توسط نمایندگان دولتی و مجلس و نهادهای مرتبط، سهم مذکور تخمین زده شده است.

^{۱۴} <file:///FILESERVER/profile/p.hamidi/Downloads/۲۰۲۵۹.pdf>

جدول ۴- برآورد تقریبی اثر افزایش دستمزد بر میانگین هزینه بنگاه‌ها در اصناف مختلف

گروه فعالیت	سهم تقریبی دستمزد در هزینه سهم تقریبی از GDP (ارزش افزوده داخلی) - بر آورد تقریبی	اثر تقریبی افزایش ۶۰٪ مزد بر مبنای هزینه میانگین بنگاه
صنایع سرمایه‌بر (پتروشیمی، فولاد، پالایش)	پایین، حدود ۳-۵٪ (ماشین‌آلات و انرژی سهم اصلی دارند، مطابق تأکید منابع بر «سهم اندک مزد»)	۳٪ افزایش در قیمت تمام‌شده
صنایع ترکیبی (غذایی، نساجی، قطعه‌سازی متوسط)	متوسط، حدود ۷-۱۰٪ (ترکیب ماشین‌آلات و نیروی کار؛ با استناد به بازه ۵-۸٪ و تجربه میدانی)	۶٪ افزایش در قیمت تمام‌شده
صنایع کاربر و کارگاهی (لباس، کفش، کارگاه‌های کوچک)	بالا، می‌تواند به ۲۰-۳۰٪ یا بیشتر برسد (بر اساس دیدگاه صاحبان کار که نشان داد دستمزد مستقیم وزن زیادی در بهای تمام‌شده دارد)	۱۸٪ افزایش هزینه
خدمات کم‌سرمایه (آرایشگاه، رستوران کوچک، خرده‌فروشی سنتی)	بسیار بالا، ۳۰-۵۰٪ و حتی بیشتر (نیروی کار جزء اصلی هزینه است، مطابق استدلال تشکلهای کارگری که «دستمزد در برخی بنگاه‌ها گم نیست بلکه بالاست»)	۳۰٪ افزایش هزینه
خدمات سرمایه‌بر	متوسط، حدود ۱۰-۱۵٪	۹٪

[illegible]

¹⁹ <https://fa.tradingeconomics.com/iran/gdp-from-services>

افزایش هزینه		(هزینه فناوری و اجاره هم مهم است، ولی نیروی انسانی متخصص نیز سهم دارد)	(بانک، مخابرات، IT بزرگ)
--------------	--	--	--------------------------

با فرض افزایش ۶۰ درصدی دستمزد، اثر روی هزینه‌ها در بیشتر بخش‌ها همچنان در مقیاس «میان‌مدت و نسبتاً محدود» باقی می‌ماند، اما در بخش‌های کاربر می‌تواند به شدت جدی و تعیین‌کننده باشد. در صنایع بزرگ سرمایه‌بر مثل فولاد و پتروشیمی که سهم دستمزد فقط حدود ۳ تا ۵ درصد از قیمت تمام‌شده است، حتی افزایش ۶۰ درصدی مزد هم در نهایت حدود ۱.۸ تا ۳ درصد به هزینه اضافه می‌کند؛ یعنی شوک اصلی آن‌ها همچنان از ناحیه انرژی، مواد اولیه و نرخ ارز می‌آید، نه از افزایش پایه دستمزد. در صنایع ترکیبی مانند غذایی و نساجی، این شوک به حدود ۴ تا ۶ درصد افزایش هزینه می‌رسد؛ عددی که اگر با تورم عمومی و رشد سایر هزینه‌ها جمع شود، می‌تواند در قیمت نهایی محسوس باشد، اما به‌تنهایی معمولاً بنگاه را زمین نمی‌زند. در مقابل، در کارگاه‌های کوچک و خدمات کم‌سرمایه که سهم دستمزد ۲۰ تا ۵۰ درصد است، همین افزایش ۶۰ درصدی مزد به حدود ۱۲ تا ۳۰ درصد رشد هزینه منجر می‌شود؛ در اینجا احتمال انتقال مستقیم به قیمت نهایی، کاهش حاشیه سود، اخراج نیرو یا حرکت به سمت رسمی‌زدایی و استفاده از نیروی کار غیررسمی بالاست ۱۸.

در سطح اقتصاد کلان، چون سهم مزد در بسیاری از کالاها یک‌رقمی است، حتی افزایش ۶۰ درصدی مزد نیز به‌تنهایی تورم‌های ۳۰ تا ۴۰ درصدی نمی‌سازد؛ اما در بخش‌های کاربر، همین تغییر می‌تواند ساختار اشتغال و بقا/خروج بنگاه‌های خرد را به شدت تحت تأثیر قرار دهد و از کانال بیکاری، کاهش عرضه و تقویت رفتارهای غیررسمی، آثار تورمی ثانویه ایجاد کند.

۱-۶ برآورد اثر افزایش دستمزد بر تورم

در ادامه، برای تخمین اثر افزایش ۶۰ درصدی مبنای حقوق و دستمزد نیروی کار بر هزینه بنگاه‌ها در اصناف مختلف و سپس بر تورم، در این پژوهش از یک رویکرد «میانگین وزنی فشار هزینه‌ای» استفاده شده است.

پنج گروه اشاره شده در جدول شماره ۴ حدود ۷۵٪ GDP کشور را پوشش می‌دهند (این وزن‌ها مبتنی بر ترکیب بخشی اعلام‌شده در حساب‌های ملی - سهم خدمات، صنعت، نفت و کشاورزی- و برآورد سهم

^{۱۸} <https://otaghiranonline.ir/news/۷۳۷۴۳/%D۸%B۳%DB%AC%D۸%AF%D۹%۸۵%D۹%۸۷%D۸%AF%DB%AC-%D۸%B۷%D۸%A۸%DB%AC%D۸%A۸-%D۸%B۲%D۸%AV%D۸%AF%D۹%۸۷-%D۸%AF%D۹%۸۸-%D۸%B۱%D۹%۸۸%DB%AC-%D۸%B۳%DA%A۹%D۹%۸۷-%D۸%AF%D۸%B۳%D۸%AA%D۹%۸۵%D۸%B۲%D۸%AF-%D۸%AF%D۸%B۱-%D۸%A۸%D۹%۸۶%DA%AF%D۸%AV%D۹%۸۷-%D۹%۸۷%D۸%AV%DB%AC-%DA%A۹%D۹%۸۸%DA%۸۶%DA%A۹%D۹%۸۸-%D۸%AA%D۸%B۲%D۸%B۱%DA%AF>

افزایش هزینه به قیمت‌ها می‌توان انتظار داشت که ۳.۷٪ واحد درصد به سطح عمومی قیمت‌ها و در نتیجه به نرخ تورم سالانه اضافه کند و اگر ضریب عبور هزینه به قیمت را ۰.۷ در نظر بگیریم یعنی با احتساب انتقال ۷۰ درصد افزایش هزینه به قیمت‌ها می‌توان انتظار داشت که ۵.۱٪ واحد درصد به سطح عمومی قیمت‌ها و در نتیجه به نرخ تورم سالانه اضافه کند.

بنابراین، عدد ۴ تا ۵ واحد درصد (۳.۷٪ تا ۵.۱٪) در این پژوهش به عنوان بازه احتمالی اثر هزینه‌ای افزایش ۶۰ درصدی دستمزد بر تورم سالانه تفسیر می‌شود و به هیچ وجه معادل پیش‌بینی قطعی تورم نیست؛ چراکه مسیر نهایی تورم به طور عمده به نحوه تأمین کسری بودجه، وضعیت نرخ ارز و سیاست‌های پولی بستگی دارد.

۲-۶ برآورد اثر افزایش دستمزد بر سودآوری بنگاه‌ها و تداوم فعالیت

یکی از پرسش‌های کلیدی در ارزیابی آثار افزایش ۶۰ درصدی دستمزد آن است که این افزایش، با توجه به سطح فعلی حاشیه سود بنگاه‌ها، برای چه سهمی از فعالان اقتصادی منجر به از دست رفتن توجیه اقتصادی ادامه فعالیت می‌شود. از آنجا که داده‌های ریزبنگاهی درباره حاشیه سود تمام اصناف در دسترس نیست، در این بخش از یک رویکرد تقریبی مبتنی بر اطلاعات در دسترس از بنگاه‌های بورسی و برآوردهای بخشی استفاده شده است.^{۲۰}

مطالعات انجام‌شده بر روی صنایع بورسی نشان می‌دهد که حاشیه سود عملیاتی (سود عملیاتی به نسبت فروش) در بسیاری از صنایع ایران در حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد نوسان دارد و میانگین این شاخص برای مجموعه‌ای از ۳۱ صنعت بورسی، در گزارش‌های تحلیلی، در حدود میانه این بازه قرار گرفته است. در عین حال، تحلیل‌های رسمی از ساختار هزینه بنگاه‌ها نشان می‌دهد که سهم دستمزد در شرکت‌های بزرگ بورسی به طور متوسط حدود ۱۰ درصد ارزش افزوده یا درآمد بنگاه بوده است^{۲۱}؛ به عبارت دیگر، در سطح کلان، نیروی کار یکی از اجزای مهم اما نه غالب هزینه محسوب می‌شود. با توجه به آن که بنگاه‌های کوچک و متوسط و اصناف کاربر معمولاً با حاشیه سود عملیاتی پایین‌تر و نوسان‌پذیرتر فعالیت می‌کنند، می‌توان به طور محافظه کارانه فرض کرد که حاشیه سود عملیاتی متوسط برای بنگاه‌های بزرگ و متوسط در حدود ۱۵ درصد و برای بنگاه‌های خرد کاربر در حدود ۱۰ درصد است^{۲۲}.

^{۲۰} <https://www.mehrnews.com/news/7۷۰۵۸۸۵/%D۸%AV%D۹%۸۱%D۸%B۲%D۸%AV%DB%۸C%D۸%B۴-%D۸%AF%D۸%B۳%D۸%AA%D۹%۸۵%D۸%B۲%D۸%AF-%D۹%۸۱%D۹%۸۲%D۸%B۴-%D۸%AV%D۹%۸۱%DA%AF%DB%۸C%D۸%B۲%D۸%B۴%DB%۸C-%D۸%AF%D۸%AV%D۸%B۱%D۸%AF>

^{۲۱} <https://www.magiran.com/article/۴۲۱۴۷۴۲>

^{۲۲} <https://donya-e-eqtasad.com/>

- حاشیه سود فعلی $m \approx$ درصد
- شوک هزینه‌ای ناشی از افزایش دستمزد $\Delta c \approx$ درصد
- اگر $\Delta c \geq m$ توجیه اقتصادی در قیمت‌های فعلی از بین می‌رود.
- در این پژوهش حاشیه سود بنگاه‌های مختلف را در دو سطح ۱۵٪ و ۱۰٪ برآورد می‌نماییم و شوک هزینه‌ای را از جدول شماره ۴ استفاده می‌نماییم. با این شرایط می‌توان پیش‌بینی کرد. اگر میانگین حاشیه سود را ۱۵٪ فرض کنیم:
- در بنگاه‌های صنایع سرمایه‌بر با ۳۰٪ اثر تقریبی افزایش دستمزد بر افزایش هزینه‌ها در مقابل ۱۵٪ حاشیه سود، این افزایش تا حدودی قابل جذب، می‌باشد.
- در بنگاه‌های صنایع ترکیبی با ۶۰٪ اثر تقریبی افزایش دستمزد بر افزایش هزینه‌ها در مقابل ۱۵٪ حاشیه سود، این افزایش قابل جذب بوده و احتمال کمی برای تعدیل و افزایش قیمت است.
- در صنایع کاربر و کارگاهی با ۱۸۰٪ اثر تقریبی افزایش دستمزد بر افزایش هزینه‌ها در مقابل ۱۵٪ حاشیه سود، از آنجایی که افزایش هزینه‌ها نزدیک به حاشیه سود است احتمال افزایش قیمت‌ها یا تعدیل نیرو وجود دارد.
- در خدمات کم‌سرمایه با ۳۰۰٪ اثر تقریبی افزایش دستمزد بر افزایش هزینه‌ها در مقابل ۱۵٪ حاشیه سود، چون افزایش هزینه‌ای از حاشیه سود بزرگ‌تر است؛ یعنی با قیمت ثابت، بنگاه زیان‌ده می‌شود.
- در خدمات سرمایه‌بر با ۹۰٪ اثر تقریبی افزایش دستمزد بر افزایش هزینه‌ها در مقابل ۱۵٪ حاشیه سود، افزایش هزینه قابل جذب، اما کاهش محسوس سود وجود دارد.
- اگر برای بنگاه‌های خرد، حاشیه سود واقعی را ۱۰٪ فرض کنیم (دیدگاه بدبینانه)
- در صنایع کاربر و کارگاهی با ۱۸۰٪ اثر تقریبی افزایش دستمزد بر افزایش هزینه‌ها در مقابل ۱۰٪ حاشیه سود، توجیه اقتصادی بخش بزرگی از واحدها در قیمت‌های فعلی از بین می‌رود.
- همچنین در خدمات کم‌سرمایه با ۳۰۰٪ اثر تقریبی افزایش دستمزد بر افزایش هزینه‌ها در مقابل ۱۰٪ حاشیه سود، بدون افزایش قیمت یا رسمی‌زدایی، ادامه فعالیت منطقی نخواهد بود.
- بر اساس برآوردهای این پژوهش، افزایش ۶۰ درصدی دستمزد، بسته به نوع فعالیت، شوک هزینه‌ای متفاوتی ایجاد می‌کند؛ برای نمونه، در صنایع سرمایه‌بر (فولاد، پتروشیمی، پالایش) که سهم دستمزد در هزینه پایین و حدود ۳ تا ۵ درصد است، این افزایش معادل حدود ۳ درصد رشد هزینه تلقی می‌شود، در حالی که در صنایع کاربر و کارگاهی، این شوک به حدود ۱۸ درصد و در خدمات کم‌سرمایه (مثل رستوران‌های کوچک و خرده‌فروشی سنتی) به حدود ۳۰ درصد افزایش هزینه می‌رسد. مقایسه این ارقام با حاشیه سود تقریبی بنگاه‌ها نشان می‌دهد که در گروه‌های سرمایه‌بر و صنایع ترکیبی، شوک هزینه‌ای (حدود ۳ و ۶ درصد) به‌طور معمول از حاشیه سود متوسط (حدود ۱۵ درصد) کمتر است و بنابراین بنگاه‌ها

می‌توانند آن را از طریق ترکیبی از افزایش قیمت، کاهش اندک حاشیه سود و بهبود بهره‌وری جذب کنند، بدون آن‌که به‌طور گسترده توجیه اقتصادی خود را از دست بدهند.

در مقابل، در صنایع کاربر و کارگاهی و به‌ویژه در خدمات کم‌سرمایه، وضعیت به‌مراتب شکننده‌تر است. اگر حاشیه سود عملیاتی بسیاری از این بنگاه‌های خرد را در حدود ۱۰ درصد در نظر بگیریم، شوک هزینه‌ای ۱۸ تا ۳۰ درصدی ناشی از افزایش ۶۰ درصدی دستمزد عملاً از حاشیه سود آن‌ها فراتر می‌رود؛ به این معنا که در صورت ثابت ماندن قیمت‌ها، بخشی از این واحدها وارد زیان می‌شوند. در عمل، بنگاه‌ها برای اجتناب از زیان ناچار خواهند بود یا قیمت‌ها را بیش از افزایش هزینه بالا ببرند، یا بخشی از نیروی کار را تعدیل کنند، یا به سمت استفاده از نیروی کار غیررسمی و کاهش پوشش بیمه‌ای حرکت کنند. شواهد داخلی نیز تأیید می‌کند که در دوره‌های افزایش شدید مزد، فشار اصلی بر واحدهای خرد و متوسط کاربر وارد می‌شود و پرداخت افزایش ۶۰ درصدی دستمزد برای این گروه‌ها و تبعات احتمالی آن دشوار خواهد بود.

با توجه به نبود داده‌های ریزدانه درباره توزیع حاشیه سود در میان اصناف مختلف، امکان تعیین درصد دقیق بنگاه‌هایی که «توجیه اقتصادی خود را از دست می‌دهند» وجود ندارد؛ اما از ترکیب سطح معمول حاشیه سود در بنگاه‌های کوچک کاربر و اندازه شوک هزینه‌ای می‌توان چنین نتیجه گرفت که در بخش‌هایی که شوک هزینه‌ای ناشی از افزایش دستمزد به اندازه یا بیش از حاشیه سود معمول است (به‌ویژه صنایع کاربر و خدمات کم‌سرمایه)، افزایش ۶۰ درصدی دستمزد می‌تواند برای سهم معناداری از فعالان اقتصادی، در صورت محدودیت در افزایش قیمت، به از دست رفتن توجیه اقتصادی فعالیت در شکل رسمی فعلی منجر شود و آن‌ها را به سمت تعدیل نیروی کار، غیررسمی‌سازی قراردادهای خروج تدریجی از بازار سوق دهد.

همچنین مطالعات اقتصادسنجی داخلی، از جمله تحقیقات انجام‌شده در نشریات «تحقیقات اقتصادی» دانشگاه تهران و «تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی» دانشگاه خوارزمی، نشان می‌دهند که در داده‌های بلندمدت ایران، تورم بیش از آن‌که معلول تغییرات حداقل دستمزد باشد، خود یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی حداقل مزد بوده است و اثر مستقیم مزد بر تورم از نظر آماری پایین گزارش شده است.

اما در این شرایط شاغلان غیررسمی آسیب‌پذیرتر هستند. با توجه به درصد بالای شاغلان غیر رسمی در بازار نیروی کار کشور، این قشر بیشترین آسیب را خواهند دید. این گروه افزایش حداقل دستمزد را به صورت مستقیم و خودکار دریافت نمی‌کنند ولی تمام افزایش قیمت‌ها (خوراک، اجاره، حمل‌ونقل، درمان) را تجربه خواهند نمود. در نتیجه، قدرت خرید واقعی شاغلان غیررسمی با هر واحد درصد تورم، سریع‌تر از شاغلان رسمی فرسوده می‌شود، چون هیچ سازوکار نهادی برای جبران ندارند.

امیری و همکارانش در یک پژوهش با موضوع «تاثیر تورم بر روند رشد حقوق و دستمزد» به این نتیجه رسیدند که هر ۱ درصد تورم اضافی، اگر هیچ جبرانی در درآمد نباشد، تقریباً ۱ درصد از قدرت خرید واقعی را کم می‌کند^{۲۳} و اگر تورم پایه مثلاً ۵۰٪ و به دلیل افزایش دستمزد به ۵۲ تا ۵۳ درصد برسد، یعنی تورم اضافه ۲-۳٪ و کاهش قدرت خرید برای فردی که درآمدش ثابت است، حدود ۲-۳٪ خواهد بود.

۳-۶ برآورد اثر افزایش دستمزد بر بیکاری

شواهد موجود برای ایران تصویر نسبتاً پیچیده‌ای از تاثیر افزایش دستمزد بر وضعیت بیکاری کشور ارائه می‌کند. در برخی دوره‌ها، افزایش شدید حداقل دستمزد با کاهش بیکاری هم‌زمان شده و در برخی مطالعات اقتصادسنجی، اثر منفی و معناداری بر اشتغال گزارش شده است. بنابراین، نمی‌توان رابطه‌ای خطی و ساده از نوع «هر X درصد افزایش مزد Y = درصد افزایش بیکاری» ارائه کرد، اما می‌توان چند قاعده تقریبی را بر اساس شواهد بیان کرد^{۲۴}.

از یک سو، تجربه افزایش ۵۷ درصدی حداقل دستمزد در سال ۱۴۰۱ نشان داد که علی‌رغم نگرانی‌های اولیه درباره موج تعدیل نیروی کار، نرخ بیکاری رسمی در آمارهای منتشرشده کاهش یافته است؛ به‌طوری که گزارش‌ها حاکی از کاهش نرخ بیکاری از حدود ۹.۵ درصد به حدود ۸.۴ درصد طی یک دوره حدوداً ده‌ماهه پس از این افزایش بوده است. برخی تحلیلگران این واقعیت را نشانه‌ای از آن می‌دانند که در بستر خاص اقتصاد ایران، با وجود تورم بالا و سهم زیاد اشتغال غیررسمی، افزایش حداقل دستمزد لزوماً به رشد بیکاری رسمی منجر نمی‌شود و بخشی از اثر آن از کانال افزایش مشارکت اقتصادی و تقویت انگیزه عرضه نیروی کار ظاهر می‌گردد^{۲۵}.

از سوی دیگر، مطالعات اقتصادسنجی مبتنی بر داده‌های بلندمدت نشان می‌دهد که افزایش حداقل دستمزد واقعی می‌تواند اثر منفی و معناداری بر اشتغال داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که در یک پژوهش جدید، استفاده از مدل رگرسیونی نشان داده است که افزایش حداقل دستمزد واقعی، اشتغال را کاهش داده و اثر آن از نظر آماری معنادار است. همچنین در یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی (DSGE) که برای اقتصاد ایران برآورد شده، نتایج نشان می‌دهد که در شرایط رکود، شوک مثبت حداقل مزد به کاهش

^{۲۳} <https://isnac.ir/AZGC-AAKDDGF>

^{۲۴} <https://civilica.com/doc/۲۵۲۸۹۳۶/>

^{۲۵} <https://tejarat۱۰۰.ir/%D8%AV%D9%A۱%D8%B۲%D8%AV%DB%AC%D8%B۴-%DB%B۵%DB%B۷-%D8%AF%D8%B۱%D8%B۵%D8%AF%DB%AC-%D8%AF%D8%B۳%D8%AA%D9%A۵%D8%B۲%D8%AF-%DB%B۱%DB%B۴%DB%B۵%D8%B۱-%D8%A۸%DB%AC%DA%A۹%D8%AV%D8%B۱%DB%AC-%D8%B۱%D8%AV-%DB%BA/>

اشتغال و تشدید رکود منجر می‌شود، زیرا بنگاه‌ها توان جذب شوک هزینه‌ای را ندارند؛ در حالی که در شرایط رونق، اثر منفی آن بر اشتغال ضعیف‌تر است.^{۲۶}

می‌توان گفت افزایش دستمزد، به‌ویژه اگر به‌صورت جهشی و در بستری از رکود و ناترازی‌های ساختاری اجرا شود، می‌تواند به افزایش فشار بر بنگاه‌های کوچک و کاربر و در نتیجه به کاهش اشتغال رسمی در این بخش‌ها و جابه‌جایی بخشی از نیروی کار به سمت اشتغال غیررسمی یا پاره‌وقت بینجامد؛ اما در سطح کل اقتصاد، تغییر نرخ بیکاری به‌شدت به وضعیت کلی رشد، تقاضای کل و سیاست‌های همراه‌کننده بستگی دارد و نمی‌توان تنها از روی درصد افزایش دستمزد، درصد مشخصی برای افزایش بیکاری تعیین کرد.

۷- تجربه کشورها در شرایط مشابه

در کشورهای مختلف بر اساس نوع اقتصاد ایشان و ظرفیت توسعه در آنها افزایش اثر افزایش حداقل دستمزد متفاوت است. این تاثیرگذاری در کشورهای مختلف یکسان نیست و به ساختار اقتصاد بستگی دارد.

در کشورهای اروپایی و آمریکایی که اقتصاد توسعه‌یافته‌تر و برنامه‌ریزی شده‌تری دارند و بازار کار انعطاف‌پذیری و بهره‌وری بیشتری دارد و همچنین نیروی کار کم‌مهارت در برخی بخش‌ها سهم کمتری دارند، اثر افزایش بالای سطح دستمزد منجر به کاهش اشتغال و تورم نخواهد شد و در گروه‌های کم درآمد می‌تواند باعث افزایش رفاه زندگی شود. اما در کشورهای در حال توسعه که سهم نیروی کار کم مهارت در آنها به نسبت بالاتر است و بازار غیر رسمی کار گسترده‌تری دارند و از سوی دیگر دچار ضعف بهره‌وری است، افزایش سطح دستمزدها باعث افزایش تورم، کاهش قابل توجه نرخ اشتغال و افزایش آمار اشتغال غیر رسمی می‌شود.

در کشورهای درگیر جنگ یا تحریم شدید، افزایش‌های بزرگ دستمزد در شرایط تورم بالا معمولاً نمی‌تواند رفاه واقعی را به‌طور پایدار بهبود دهد، زیرا بدون مهار تورم و ثبات ارزی، افزایش اسمی مزد سریعاً بی‌اثر می‌شود.

در عوض، کشورهایی که در شرایط ثبات نسبی، برنامه‌ای میان‌مدت برای افزایش حداقل دستمزد همراه با اصلاحات بازار کار، بهبود بهره‌وری، کاهش انحصارات و دسترسی بهتر بنگاه‌ها به سرمایه و فناوری داشتند، توانسته‌اند هم سطح دستمزد و هم رقابت‌پذیری را ارتقا دهند، کشورهای اروپای شرقی و

^{۲۶} https://jemr.khu.ac.ir/browse.php?a_id=۱۸۸۴&sid=۱&slc_lang=fa

شرق آسیا (لهستان، مجارستان، چک و اسلواکی، کره جنوبی، سنگاپور، تایوان) در این دسته کشورها قرار می گیرند^{۲۷}.

۸- جمع بندی و توصیه ها

در نهایت می توان نتیجه گرفت سیاست مزد بدون بسته مکمل کنترل تورم، مدیریت انتظارات و اصلاح ساختار بودجه، بیشتر ماهیت جبران موقت و اجتماعی دارد تا ابزاری برای توسعه کشورها؛ بنابر این سیاست افزایش شدید حداقل دستمزد در اقتصاد ایران، اگر بدون توجه به تفاوت سهم دستمزد در بخش ها اجرا شود، در سطح کلان تورم ساز است و اثرش بر قدرت خرید واقعی کارگران محدود و زودفرسوده خواهد بود و در سطح خرد بیشترین آسیب را به بنگاه های کوچک و کاربر وارد می کند؛ یعنی دقیقاً جاهایی که هم اشتغال ارزان قیمت تولید می شود و هم مقاومت در برابر شوک ها کم است.

بر اساس آمار بانک جهانی، نسبت اشتغال به جمعیت (۱۵ سال به بالا) در سال ۲۰۲۵ در ایران برابر با ۳۷.۵٪ بوده است^{۲۸}. همچنین بر اساس گزارش بازنشر این سازمان از سال ۲۰۲۲ در ایران حدود ۶۰٪ اشتغال غیررسمی بوده است.

این آمار بنابر اعلام معاون اشتغال و توسعه کارآفرینی وزارت کار در پایان بهار ۱۴۰۴، حدود ۵۷ درصد بازار اشتغال کشور، را تشکیل می داده است^{۲۹}.

از آن جا که مشاغل غیررسمی در بخش های مربوط دولتی ثبت نمی شوند، اطلاعات دقیق و شفافی در مورد میزان تولید و فعالیت ها آنها وجود ندارد. مرکز برنامه ریزی و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گزارشی با استناد به گزارش مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی اشتغال و بخش رسمی و غیررسمی در سال های ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۹ را منتشر کرده است که به موجب این گزارش، در سال ۱۳۹۸ سهم جمعیت شاغل کشور از اشتغال رسمی ۴۰.۷ درصد و از اشتغال غیررسمی ۵۹.۲ درصد بوده است. با توجه به آمار اعلام شده، در طول سال های گذشته درصد آمار اشتغال غیر رسمی در کشور افزایش یافته است.

در شرایطی که نرخ بیکاری به ویژه در میان جوانان و فارغ التحصیلان دانشگاهی بسیار بالاست، بسیاری از افراد به مشاغل غیررسمی پناه می برند. این امر منجر به رشد سریع مشاغل روزمزد و فصلی می شود.

^{۲۷} <https://ensani.ir/file/download/article/۱۵۸۶۴۹۴۳۳۹-۹۷۵۴-۳۷-۱.pdf>

^{۲۸} <https://data.worldbank.org/indicator/SL.EMP.TOTL.SP.ZS>

^{۲۹} <https://mokhatab۲۴.ir/fa/news/۶۴۳۲۰/%DB%B۵%DB%B۷->

همچنین بسیاری از افراد برای شروع کسب و کار خود به منابع مالی دسترسی ندارند و در نتیجه برای انجام فعالیت‌های اقتصادی خود، از فعالیت‌های غیررسمی استفاده می‌کنند.^{۳۰}

در زمانی که پایه نرخ دستمزدها به صورت جهشی بالا برده می‌شود، حاشیه سود شرکت‌ها به شدت در حال فشرده شدن است. وقتی هزینه‌ها بالا می‌رود اما بازار در رکود است، اولین واکنش بنگاه‌ها «کاهش نیرو یا تعطیلی» خواهد بود. در چنین شرایطی شرکت‌ها مجبور می‌شوند فقط تعداد محدودی نیروی کلیدی را با حقوق بالا حفظ کنند و باقی کارکنان را کنار بگذارند.

در این وضعیت سهم مشاغل غیر رسمی در جامعه افزایش می‌یابد و این موضوع یعنی عدم وجود بیمه و سایر مزایای کار رسمی در جامعه، از سوی دیگر این مشاغل عموماً وابسته به وضعیت اقتصادی مردم هستند و اگر وضعیت اقتصادی جامعه، به سمت ضعف و مشکلات پیش برود، در این حالت عملاً این مشاغل نیز در نتیجه تعدیل بزرگ نیروی کار در جامعه، همزمان با تورم بالا، افزایش نرخ ارز و سرکوب مزدی، هزینه‌های اولیه زندگی از خوراک تا درمان و آموزش به یک چالش جدی تبدیل می‌شود.^{۳۱}

اقتصاد ایران در آستانه سال ۱۴۰۵ در وضعیت «رکود تورمی مزمن با اشتغال عمدتاً غیررسمی» قرار داشته است. تورم‌های بالا در سال‌های اخیر، رشد اقتصادی ناچیز یا منفی، ناترازی‌های ساختاری در بودجه و انرژی و محدودیت‌های ناشی از تحریم باعث شده‌اند ظرفیت تولید و توان جذب هر شوک سیاستی - از جمله افزایش شدید دستمزد - به طور جدی تضعیف شود. در این بستر، تصمیم به افزایش ناگهانی و بالای حداقل دستمزد، در ظاهر پاسخی به فشار معیشتی و شکاف فزاینده میان مزد و هزینه زندگی است، اما آثار واقعی آن در سطح کلان و خرد تصویر پیچیده‌تری را نشان می‌دهد.

برآوردهای این گزارش نشان می‌دهد افزایش ۶۰ درصدی مبنای دستمزد، اگر به طور کامل به قیمت‌ها منتقل شود، به طور متوسط حدود ۹.۸ درصد هزینه بنگاه‌ها را در پنج گروه اصلی فعالیت افزایش می‌دهد و با در نظر گرفتن ضریب عبور ناقص و پوشش ۷۵ درصدی اقتصاد، اثر واقع‌بینانه آن بر تورم سالانه در حدود ۴ تا ۵ واحد درصد قابل تخمین است.

از آنجا که سهم دستمزد در قیمت تمام‌شده در بسیاری از فعالیت‌ها (بنگاه‌های بزرگ) یک‌رقمی است، این فشار هزینه‌ای به‌تنهایی نمی‌تواند تورم‌های ۳۰ تا ۵۰ درصدی را توضیح دهد؛ ریشه این تورم‌ها بیشتر

^{۳۰} <https://fararu.com/fa/news/۸۳۳۵۲۶/%D۸%AF%D۸%B۱%D۸%B۵%D۸%AF-%D۸%AV%D۸%B۴%D۸%AA%D۸%BA%D۸%AV%D۹%A۴-%D۸%AV%DB%AC%D۸%B۱%D۸%AV%D۹%A۶-%D۸%BA%DB%AC%D۸%B۱%D۸%B۱%D۸%B۳%D۹%A۵%DB%AC-%D۸%AV%D۸%B۳%D۸%AA>

^{۳۱} <https://ecoiran.com/%D۸%A۸%D۸%AE%D۸%B۴-%D۸%AV%D۹%A۲%D۸%AA%D۸%B۵%D۸%AV%D۸%AF-%D۸%A۹%D۹%A۴%D۸%AV%D۹%A۶-۱۸۶/۱۱۷۴۱۳-%D۸%AV%D۸%B۲-%D۸%AC%DB%AC%D۸%A۸-%D۸%A۸%D۹%A۶%DA%AF%D۸%AV%D۹%A۷-%D۸%AA%D۸%AV-%D۸%B۳%D۹%A۱%D۸%B۱%D۹%A۷-%D۸%A۹%D۸%AV%D۸%B۱%DA%AF%D۸%B۱-%D۸%A۸%D۹%A۸%D۸%AF%D۸%AC%D۹%A۷-%D۸%A۶%D۹%A۷-%D۹%A۵%DB%AC-%DA%A۹%D۹%A۶%D۸%AF>

در ناترازی بودجه، شوک‌های ارزی و رشد نقدینگی است، هرچند افزایش دستمزد می‌تواند به‌عنوان یک شوک مکمل، مارپیچ دستمزد- تورم را تقویت کند.

در مقابل، در بنگاه‌های کوچک و خدمات کاربر، افزایش ۶۰ درصدی دستمزد به دلیل سهم بالای نیروی کار در هزینه‌ها، افزایش دو رقمی در بهای تمام‌شده ایجاد می‌کند و از کانال کاهش حاشیه سود، تعدیل نیرو و رسمی‌زدایی، می‌تواند ساختار اشتغال و دوام بنگاه‌های خرد را به‌شدت تحت تأثیر قرار دهد. همچنین اگرچه تنها حدود ۷ تا ۹ درصد تولید ناخالص داخلی ایران (میانگین ۵٪)، به‌طور مستقیم به فعالیت بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEها) وابسته است، اما حدود ۶۰ درصد اشتغال کشور در این واحدها ایجاد می‌شود^{۳۲}؛ به بیان دیگر، ستون فقرات اشتغال ایران، نه بنگاه‌های بزرگ سرمایه‌بر، بلکه شبکه گسترده همین واحدهای کوچک و متوسط هستند. در چنین ساختاری، هر شوک هزینه‌ای ناشی از افزایش دستمزد - به‌ویژه در سطح ۶۰ درصد - حتی اگر از منظر تولید کل، اثر محدودی داشته باشد، می‌تواند از کانال کاهش حاشیه سود، تعدیل نیرو و رسمی‌زدایی، پیامدهای قابل توجهی بر سطح اشتغال و کیفیت آن در این بخش‌ها بر جای بگذارد.

مطالعات مختلف نشان می‌دهد که افزایش ناگهانی دستمزد می‌تواند منجر به افزایش بیکاری رسمی (تعدیل نیرو)، افزایش اشتغال غیررسمی و پیمانکاری (برای کاهش هزینه بیمه و مزایا) و یا خروج کامل برخی بنگاه‌های خرد از فضای کسب و کار شود. لذا تمرکز سیاست‌گذاری باید بیش از آن‌که بر مهار تورم از مسیر دستمزد باشد، بر طراحی سازوکارهای حمایتی و انعطاف‌پذیر برای این گروه‌ها متمرکز شود.

در دیدگاه تنظیم بازار، بخش‌هایی که هم کاربر هستند و هم قیمت آن‌ها تحت کنترل مستقیم دولت یا سازوکارهای تنظیم بازار است (مانند بخشی از تولید نان و محصولات آردی، برخی مواد غذایی اساسی، خدمات عمومی شهری و برخی خدمات سلامت و آموزشی)، نسبت به افزایش دستمزد حساس‌تر و در معرض فشار بیشتری قرار دارند؛ زیرا امکان انتقال کامل شوک هزینه‌ای به قیمت نهایی در آن‌ها محدود است و در نتیجه، افزایش هزینه نیروی کار به‌طور مستقیم به کاهش حاشیه سود، کاهش کیفیت خدمات یا رسمی‌زدایی در این بخش‌ها منجر می‌شود.

لذا در شرایط پیچیده اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۵ و برای افزایش دستمزد نیروی کار، پیشنهاد می‌شود همزمان بستر مورد نیاز برای این افزایش از طریق اقدامات ذیل صورت پذیرد:

- تنظیم و اجرای برنامه ضدتورمی (نحوه تأمین کسری، سیاست ارزی، کنترل رشد نقدینگی)

^{۳۲} <https://otaghiranonline.ir/news/17788/%D8%B3%D9%87%D9%85-%D8%B5%D9%86%D8%AV%DB%AC%D8%B9-%DA%A9%D9%88%DA%86%DA%A9-%D9%88-%D9%85%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%BV-%D8%AF%D8%B1-%D8%AV%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%AV%D8%AF-%D8%AV%DB%AC%D8%B1%D8%AV%D9%86>

- برنامه حمایت از بنگاه‌های کوچک و کاربر (اعتبار ارزان، تقسیط بدهی، تعلیق/تخفیف بیمه‌ای و مالیاتی و مشوق‌های کسب و کاری مشروط به حفظ اشتغال رسمی) چرا که بدون حمایت از بنگاه‌های کوچک، افزایش مزد می‌تواند به تعدیل نیرو و حرکت به سمت اقتصاد غیررسمی منجر شود.
- برنامه کاهش هزینه‌های رسمی‌سازی (ساده‌سازی مقررات، کاهش هزینه ثبت و بیمه برای واحدهای خرد)

به‌طور خلاصه، نتایج این گزارش نشان می‌دهد که اگرچه افزایش ۶۰ درصدی دستمزد می‌تواند از کانال هزینه تولید، فشار قابل‌ملاحظه‌ای بر برخی بخش‌های کاربر و خدمات کم‌سرمایه وارد کند و به‌طور متوسط چند واحد درصد به تورم سالانه بیفزاید، اما در مقایسه با نقش ناترازی‌های ساختاری بودجه، شوک‌های ارزی و رشد نقدینگی، به‌تنهایی قادر به تبیین سطح بالای تورم در اقتصاد ایران نیست و باید در چارچوب یک بسته سیاستی گسترده‌تر مورد ملاحظه قرار گیرد.